

( ۱۴۳۳ )

و بشارت معلی پیکر فتنه سرشت پر شور و شرش را بمقبره ملوک  
حضرت جنت آشیانی علیدین مکانی همایون بادشاه اثار الله متوا  
نقل کرده در ته خانه که زیر گنبد مرقد متبرک آنحضرتست  
و شاهزاده دانیال و شاهزاده مراد پسران حضرت عرش آشیانی  
جلال الدین محمد اکبر بادشاه طاب ثراه آنجا مدفون اند دفن نمودند  
و روز دیگر فرمان جهان مطاع بذقان بدوست که سیفخان سپهر  
بدشکوه را بقله گوالیار رسانیده بحارسان آنحصن عالی اساس سپارد  
و بمستقر الخلافة اکبر اباد معارفت نموده بصوبه داری آنجا از تغییر  
مخلصخان که به بنگاله تعیین یافته بود قیام نماید و هنگام رخصت  
اورا بمرحمت خلعت و شمشیر و ماده فیل و نقاره نوازش فرمودند  
و وزیر خان بعطای یکسازنجیر فیل مدهی شده با جمعی از افواج  
قاہره بهمراهی او معین گردید بدست و سیوم راجه جیسنگه که  
از بهادر خان در عقب مانده بود جببہ سای عتبه سپهر آساگشته  
یکهزار اشرفی و دو هزار روپیہ برسبدیل نذر گذرانید و بعطای خلعت  
خاص و پهنونچی مرصع و فیل خاصه مزین بسازنقره و جل زر بفت  
با ماده فیل مورد مرحمت گردید و چون بعرض اشرف رسیده بود  
که از کثرت اینغار و طی مسافتهای بعید اسپ بسیار از راجه  
مذکور و بهادر خان تلف شده عاطفت بادشاهانه آن زبده راجها را  
بعطای دو صد اسپ از آنجمله پنج راس عربی و عراقی یکی  
با ساز طلا و بهادر خان را بعزایت یکصد اسپ از آنجمله پنج راس  
عربی و عراقی یکی با ساز طلا نوازش فرمود و پرداخان و جان نثار  
خان و انر خان و آتش قلماق و جمعی دیگر از بندگان و مجاهدان

( ۴۳۴ )

جنود نصرت که همراه راجه جیسنگه و بهادر خان معین بودند دولت اندوز ملازمت گشته بعزایت خلعت مباحی شدند و ملک جیون که قبل ازین بجلدجوی خدمت شایسته که از بظهور آمد بمنصب هزاری دوصد سوار و خطاب بختیار خانی کامیاب عزایت شده بود باضافه صد سوار و مرحمت خلعت و خنجر مرصع و امپ مربی با زین و ساز مطلق و یکزنجیر فیل و شمشیر با ساز مدینا کار مشمول مراسم گوناگون گردید و چون حکم جلیل القدر از پیشگاه معدلت بتحقیق منشأ قضیه شور انگیزی ارباشان شهر که نسبت بانفازان او روی نمود صادر شده بود بعد از تحقیق و تفحص بنجوت پیوست که هدیت نام فتنه جوی بی معادتی از خیل احدیان بادشاهی بادی این جرات شنیع گشته محرک حاصله فساد بوده است لهذا شجقه شهر او را گرفته پیشگاه عدالت حاضر ساخته و ازین جهت که منشأ اینقسم جسارتی شده باعث هلاک جمعی از مسلمانان گشته بود مورد انظار قهر و عتاب پادشاه گردید حکم شد که او را بیاسا رسانند تا موجب عبرت دیگر بی ادبان خود سر و جسارت کیشان فتنه پرور شود درین ایام پیشکش راجه سنگه که مشتمل بر یکزنجیر فیل کوه پیکر با ساز نقره و سرخی از نوادر جواهر و پیشکش جعفر خان صوبه دار مالوه از نعائس مرصع آلات بنظر اکسیر اثر در آمده پذیرای انوار قبول شد و سعادتخان از جاگیر خود رمیده شرف تقبیل عتبه اقبال دریافت و بعطای خلعت کسوت مباحات پوشید و مالوجی دکنی باضافه هزار سوار که سابق از منصبش کم شده بود بمنصب پنج هزاری

( ۴۳۰ )

پنجهزار سوار و عنایت یکرنجیر فیل و راجه نرسنگه کور بمرحمت  
جمدهر مرصع و چندی دیگر از بندهای آستان سلطنت بمواهب  
خسروانه و بمطای خلعت و اسپ مرافراز گشته در سلك کومکبان  
عساکر بنگاله منتظم گردیدند و چون توپخانه تازه به بنگاله فرستاده  
میشد برق انداز خان باهتمام رسانیدن آن معین گشته از اصل  
و اضافه بمنصب هزاری صد سوار و مرحمت اسپ مباحی شد  
و همت خان که از بنگاله آمده بود بعنایت خلعت و جمدهر  
میدناکار و انعام دو هزار روپیه نوازش یافته باز به بنگاله مرخص  
گشت بیست و هفتم باغ فیض بنیاد اعزاز از یمن قدوم  
اشرف بهارستان دولت و اقبال شد و شب هنگام پاشا فرمانروای  
ایام بر طرفین شاه نهر چراغان شده یاعنی انبساط خاطر ملکوت  
ناظر گردید روز دیگر قرین سعادت و کامرانی آنجا بحر برده  
بیست و نهم مراجعت نمودند \*

ذکر اکرام عام حضرت شاهنشاهی و

بخشیدن باج فله و دیگر اجناس و

حاصل راهداری کل مملکت محرومه

حضرت راهب العطیات جات کبریاوه که بعلم ازلی شناسای  
احوال عامه خلایق و کامه براباست چون گروهی از بدائع نوع  
بشر را بانظار خیر و رحمت و انوار فیض و نعمت سزوار داند و  
و خواهد که آن زمره نیک بخت را از اهل دیگر قرون و اعصار که  
اکثر دست فرسود چور روزگار بوده اند رتبه امتیاز بخشد هر اینه

( ۴۳۶ )

باقتضای لطف کامل خسرویی نیک رای عادل و شهریاری بلند همت دریا دل برایشان گمارد که ترقی درجات عزو جاه برترنیده حال عباد الله مقصور شمارد و اعتلای مدارج دولت و سروری از ملوک جاده رعیت پروری چشم دارد از وسعت دستگاه جود و کرمش خلائق از تنگیهای ایام باز دهند و بمیامن مضائل و نعمش جهانیان داد آسائش و کسرانی دهند بینوایان قلیل البضاعة از مآثر احسان عامش بطیب عیش و وسعت رزق فارغ البال زیند و مسکینان عدیم الاستطاعة از برکات اصطفا و اکرامش آسوده و مرفه احوال باشند بحکم تفضل عام وجهه نیتش خیرت امر عموم بریت بود و بمقتضای لطف خاص پدشهاد همتش رعایت حال خصوص رعیت باشد شاهد صدق این بیان کیفیت سعادت مندی دریافتگان این عهد میمنت مهد و زمان فرخنده عنوان است که ایزد جهان آفرین بمحض الطاف بدعایت آنمقبلان عادت نصیب را در سایه همای همایون مال این خدیو کرم پرور مرحمت گستر ظلم کاه عدل پداری جهان امروز عالم آرای جای داده ابواب فیض و انصال و پرور نوال این برگزیده ذوالجلال بر روی روزگار آنها کشاده از فیض عاطفتش هر زمان بلطفه احسانی خاص و مردم بوظیفه مرحمتی عام کامیاب میگردداند از جمله آن مراحم کامله و مکارم شامله که درین ایام معدلت پیرا جلوه ظهور نموده سرمایه رفاهیت حال جهانیان گردید عفو کردن جمیع وجوه و اهداریست در کل ممالک محروسه و بخشیدن باج غلات و حبوبات و سایر اجناس ماکولات و مشروبات در اکثر بلاد معظمه چون درین

( ۴۳۷ )

در سال بنابر وقوع سوانحی و حوادثی که درین دفترا مآثر نصرت و نیروزی گزارش پذیرفته بعضی فتورات در ممالک هندوستان فیض مکان روی نمونه ازان رهگذر می الجمله اختلالی بحال سنگه و رعایا راه یافته بود و در ایام ظهور شورش و فقرت بسبب بغی و طغیان متمردان هر ناحیت درین مملکت - پهر بسطت گشت و زرع و ضبط و عمل نیز چنانچه باید بوقوع نیامده و در هر جا زراعتی شده بود اکثر دستخوش تاخت و تازاج و پایمال تعدی و تطاول سرکشان و عصیان منشان گردیده ازیں جهت سعر غلات و حبوبات بالا رفته بود لاجرم درین خجسته هنگام سعادت فرجام که غبار فساد ملک و دولت بآب تبخ انبال شهزاده بدر سوز فرو نشسته اوزنک عظمت و استقلال بفر وجود مسعود آن حضرت زیب و زینت پذیرفته بود مراحم خسروانده بر حال کادک رعایا و قاطبه برایا بخشوده سلسله عاطفت عمیم بادشاه عادل باذل مهربان نریم بجنبش آمد و رای عالم آزایی بقصد جبر و تدارک این حوادث اقتضای رای گرامی عام و احسانی شامل تام نمود که صغیر و کبیر و غنی و فقیر و مومن و کافر و مقیم و مسافر از عوائد فوائد آن بهره مند گردند و بنابرین نیت علیا نخست در جمیع طرق و ممالک ممالک محروسه و قلمرو خالصه شریفه محصول راهداری از رسد غلات و دیگر اشیا و اجناس که قبل ازیں همیشه گرفتن آن در محال خالصات سرکار پادشاهی مقرر و معمول بود و داخل ابواب جمع گشته بخزانة عاصره میرسید و در مواضع تیول و اقطاعات امرا و منصب داران و حدرت زمیندارها در وجه تنخواه جاگیر داران

( ۴۳۸ )

مخسب بود و خزائن موسور و گنجهای معمور از وجوه آن سرانجام توانستی نمود بمحض تفضل بادشاهانه بسبیل دوام معاف نرسودند و پس از چندی از کمال مکرمت باج غله و دیگر اجناس ماکوه و مشروب نه بدیشتن گرفتن آن در جمیع شهرها مقرر بود از دارالخلافه شاه جهان آباد و مستقر الخلافة اکبر آباد و دار السلطنة لاہور و بلاد مبارکه برهانپور و چندی دیگر از معظمت بلاد و معمورها و بسیاری از دیگر وجوه مال سائر در جمیع ممالک بر وجه استقامت و استمرار بخشیدند تا رسد غلات و حبوبات و سائر اصناف ماکولات بر حدیل و فور از نزدیک و دور بجای که مهبط انوار نزول آیات عالیات باشد مبرمیده باشد و در هر شهر و معنیه ارزانی و فراوانی در اقوات مردم پدید آمده این معنی سرمایه عدش و رفاهیت خلانق گردد چنانچه باین جهت از سرکار خالصه شریفه هر ساله مبلغ بیست و پنج لک روپیه که هفتاد و پنج هزار تومان رائج ایران است بخشیده شد و آنچه از کل ممالک محروسه بصیغه راهداری معفو گردید محاسب و هم و مستونی اندیشه از عهد ضیط و تعداد آن بیرون نتواند آمد و درین باب امده جلیله و مذاشیر مطاعه موشح بتاکید شدید و قدغن ببلغ بنام متصدیان هر صوبه و سرکار و فوجداران و کروریان اطراف و اطراف این کشور همایون آثار بطفرای نفاذ پیوست که من بعد دست از اخذ این وجوه که بخشیده همت والا شکوهست کشیده و کوتاه دارند و گرز برداران و یساوان واحدیان از جناب معدلت و جهانداری برای رسانیدن این احکام کرامت نظام و تقدیم مراسم منع و تاکید حکام بنهه صوبجات و ولایات معین

( ۴۳۹ )

گشتند و بمیامن این فضل عظیم و امتنان جسیم در کل ممالک  
 فسیحة المسالك هندوستان تفاوت فاحش در نرخ غلات بهم رسید  
 و اگرچه چند سال متواتر بعد ازین نیز در بعضی از ولایات باران  
 کمی کرده خشکی روی داد و بدان جهت ایام عسرت باستعداد  
 کشید لیکن باستعداد نه انجامید و الحال اگر احدانا بعضی سنوات  
 در برخی از محال و بلاد بسبب قلت باران فتوری در مراتب  
 کشت و کار و زرع روی میدهد و آفتی هماری یا ارضی اتفاق می افتد  
 بدین جهت که از دیگر مواضع معموره می زحمت باج و تسفا  
 غلات موفوره بآن ناحیه می تواند رسید مکنه و قاطنان آنجا از  
 احتیاجی قحط ایمن اند و بشدت غلا ابتلا نمی یابند امید که ایزد  
 جهان افرین پرتو عاطفت این بادشاه با داد و دین و خدیو ظلم  
 کاه معدلت گزین را تا انقراض زمان بر بسیط زمین مبعوض دارد  
 و همت بلند جنابش را همواره در اشاعت انوار لطف و کرم و ازاله  
 اثار جور و ستم به فیروزی توفیق و تائید بخشان هشتم محرم  
 الحرام ده هزار روپنه وجه خیرات مقرر آن ماه بوساطت صدر الصدور  
 باریاب استحقاق عطا شد درین ایام ذوالفقار خان قرمانلو که در  
 ملک گوشه نشینان بود جهان گذرانرا پدرود نمود و عنایت بادشاهانه  
 اسد خان خلف او و نامدار خان را که نسبت دامادی بآن خان  
 مرحوم داشت بعطای خدمت نوازش نموده از لباس کدورت برآورد  
 و از رقاع صوبه دکن معروض بارگاه جلال گردید که اختصاص خان  
 صوبه دار برار و همام الدین خان فوجدار بیجاکنده باجل طبیعی  
 بحاط حیات در نوردیدند و عاطفت حسروانه شاه بیگ خان را که

( ۴۴۰ )

قبل ازین از منصب معزول شده بود بمنصب چهار هزار چهار  
هزار سوار نواخته بصوبه داری برار تعین فرمود و چون ولایت  
کرناتک را که معظم خان در هنگام انتساب بقطب الملک تسخیر کرده  
بود حضرت شهنشاهی بر سبیل انعام بخان مذکور عطا کرده بودند  
و بعضی قلاع آن مثل کنجی کوته که از حصون معظمه آن ولایت  
است با توپخانه بسمار و سایر اشیا در تصرف کسان و گماشتگان  
او بود و ازین جهت که قطب الملک را خار خار طمع و تصرف  
آن ولایت مبدشد مهمات آنجا اختلال داشت بذئبران درین هنگام  
صیر احمد خوانی بنظم و نسق امور آن حدود رخصت یافته  
بخطاب مصطفی خانی و عنایت خلعت و اسپ و یک زنجیر نیل  
و باضافه هزار و پانصدی هزار و چهار صد سوار بمنصب سه هزار  
دو هزار سوار کامیاب مرحمت شد و هیفخان بیجاپوری بهمراهی  
خان مذکور معین گشته از اصل و اضافه بمنصب هزارى هشتصد  
سوار مباحی گردید و نامدار خان از تغیر فیض الله خان قور پیگی  
شده بعنایت خلعت سرفرازی یافت و ساداتخان بهرحمت ماده  
فین مباحی گشته در سلاک کومکیان عساکر بنگاله منتظم شد و فیروز  
میواتی بفوجداری حرکار اداره از تغیر عبدالذبی خان معین شده  
بخطاب فیروز خانی و مرحمت اسپ و باضافه پانصد سوار بمنصب  
هزار و پانصدی هزار سوار تارک افتخار افراخت و سید فیروز خان  
بارهه بخطاب اختصاص خانی نوازش یافت و رضویخان بخاری  
چون اراده گوشه نشینی داشت بمالیانه دوازده هزار روپیه کامیاب  
مرحمت گردید و مخلصان از کومکیان بنگاله و عبد العزیز خان



( ۳۴۱ )

قلعه دار واهمین بعفایت ارحال خلعت هومایه عزت اندوختند و پیشکش راجه رایسلگه سیمودیه از جواهر و مرصع آلات و پیشکش حاجی خان بلوچ مشتمل بر اسپ و اسد و شتر و باز و جره و پیشکش پرتھی پت زمیندارا سری نگر از اسپان تانگن و جانوران شکار انگن که دران کوهستان بهم میرسید و پیشکش چندی دیگر از امرای اطراف بدایه حریر خلائق مطاف رسید و زعد انداز خان که چندی پیش ازین چنانچه گزارش یافت بهم سری نگر مهین شده درین ایام بنابر مطلبی چند باشاره همایون به پیشگاه حضور آمده بود دگر باره مرخص شد باتفاق راجه راجرپ باتمام آن مهم پروازد هنگام رخصت بعطای خلعت و ماده فیل مر بلند گردید و یک قبضه جمدهر مرصع بخان مذکور حواله شد که برای پرتھی پت زمیندار آنجا بفرستد و خلعت و جمدهر مرصع برای سوبهاگ پرکس زمیندار مر مور و خلعت جهت راجه بهادر چند زمیندار کمایون از روی مرحمت ارحال یافت و بختیار خان زمیندار دادر بانعام ده هزار روپیه و عطای ماده فیل کامیاب بعفایت گشته بهحال زمینداری خود مرخص شد و شیر سنگه راتهور از اصل و اضافه بمنصب هزاره هزار حوار دوامده سه اسپه و مرحمت اسپ و خلعت نوازش یافته بجایگزینی داری مرفراز گشت و چون قبل ازین درین دولت سپهر بسطت داروغگی داغ و تصحیح چهاره اسپان تاییدان جمیع امراء و منصبداران بیدک کس متعلق بود و درین ایام و نور مساکر منصوره و کثرت انواع قاهره بمرتبه رسید بود که یک داروغه از عهد آن بر نمیتوانست آمد و ازین جهت کار مردم بتعمیق می

( ۴۴۲ )

کشید رای عالم آرای حضرت شاهنشاهی چنان اقتضا نمود که داروغه دیگریا مشرف و امینی جداگانه قرار دهند و میرعبید خوانی باین خدمت سر بلند گشته حکم شد که تا هزاره منصب دار را او تصدیق نماید باین بند و از هزاره بالا تر تصدیق سپاه آنها بقصد بیگ داروغه سابق متعلق باشد از حوائج عبرت بخش آنکه درین هنگام از وقائع صوبه کابل معروف بازگاه اقبال گردید که شیر بیگ ولد سعادتخان نبدیره زین خان مغفور بزخم جمدهر قطع حیات پدر کرد فرمان شد که مهابت خان صوبه دار آنجا اورا مقید و محبوس دارد و هر حکمی که در باره او از پیشگاه خلانت صادر شود بآن عمل نماید و بجای سعادتخان شمشیر خان به محارست قلعه ارک کابل معین گشته از اصل و اضافه بمذنب دو هزار و پانصدی هزار و هشت صد سوار نوازش یادت و درین ایام میرزا نودر صفوی از اکبرآباد رسیده ناصیه های آستان معلی گردید و چون حاکم بندر شجر پدیج سه اسپ عربی برسبیل پیشکش بدرگاه خلایق پناه مرشدان بود آورنده بانعام یک هزار روپیه مشمول مرحمت گشته شش هزار روپیه بار حواله شد که از امتده هندوستان خرید نموده برای حاکم بندر مذکور ببرد و از وقائع توران زمین بمسامع حقائق مجامع رسید که چون میان سبجان قلیخان حاکم بلخ و قاسم سلطان برادرش که ایالت حصار باو تعلق داشت غبار مخالفتی برخاسته مودت و وفای بکدرت و نفاق منبدل شده بود سبجان قلیخان بلطائف تدبیر در مقام دفع او شد و جمعی از مردم خود بحصار نزد او فرستاده حرف صلح و آشتی و حدیث

( ۴۴۳ )

مصافحات و یکجبهتی در میان آورد و او بصلح راضی شده از حامی و  
معامله نا فهمی بعزم ملاقات سبحان قلیخان از حصار با جمعی  
قلیل متوجه بلخ شد و چون قریب بموضع خلم رسید سبحان قلیخان  
گروهی برحم استقبال فرستاده بانها گفت که اگر توانند او را بقتل  
رسانند آن فریق در آن موضع افتهاز فرصت نموده او را از هم گذرانیدند  
و بعرض اشرف رسید که سید بهادر بخاری باجل طبیعی روزگار  
حیاتش سپری شد و از وقایع چکله سهرند معروف پیشگاه خلافت گشت  
که شیخ عبد الکریم تہائیسری متصدی مہمات چکله مذکور جهان  
فانی را پدرود نمود و عبد الذبی خان بغظم مہم آن چکله معین  
گشته بعنایت خلعت و باضاوہ بانصد سوار بمنصب ہزار و پانصدی  
ہزار و پانصد سوار سر بلند شد و محمد اسماعیل ولد نجاہتخان کہ  
کد خدا شدہ بمطای خلعت و خنجر مرصع و انعام دہ ہزار روپیہ  
جہت سرانجام لوازم طوی مشمول عاطفت گردید بیست و نہم  
مفر حضرت شاہنشاهی عزم سیر خضر اباد نمودہ قریب سعادت  
بآن صوب توجہ فرمودند و نخست بروضہ منورہ حضرت جدت  
اشیانی علیین مکانی ہمایون بادشاہ طاب ثراہ پرتو ورود گسترده  
بغایت و دعا روح آن سریر آرای اقلیم قدس را روح و راحت افزودند  
و پنج ہزار روپیہ بخدماہ آن روغہ قبض آگین انعام نمودند و از آنجا  
بمزار دائض الانوار قدوة الصغیا شیخ نظام الدین معروف باوایا  
قدس سرہ عنان سعادت تافندہ رسم زیارت نجا آوردند و یکہزار روپیہ  
بمجاوران آن بقعہ قدسیہ عطا کردند و از آنجا سایہ چتر دولت و  
اہمال بر ساحت خضر اباد انگندہ روز دیگر قریب حشت و کامرانی

( ۴۴۴ )

انجا بسر بردند و بآن روی آب توجه فرموده بشکار کلنگ نشاط  
افزای طبع همایون گشتند و دوم ربيع الاول ازان مکان فیض  
نشان بزیارت روضه متبرکه حضرت قطب الاولیای و الواصلین  
قدوة العرفای و الکاملین خواجه قطب الدین قدس الله سره العزیز  
توجه فرمودند و برسم معبود در هزار روپیه بمجاوران آن مزار مهر  
انوار مکرمت شد و بعد از ادای مراسم طواف براه دامن کوه لوای  
مراجعت بشهر افراختند و در کوهچه قدم رسول صلی الله علیه وآله  
وسلم آهوی چند شکار کرده قلعه مبارکه را مهبط انوار اقبال ساختند

## توجه ربای جهانکشا بصوب ساحل رود گنگ بشکار جهت تقویت عساکر بنگاله

چون از رفتن بادشاهزاده محمد سلطان بطرف ناشجاع و وقوع  
آنجاهلی و سوء تدبیر که بمقتضای تقدیر ازان و الاعتبار فاجعه کار  
بظهور آمد عساکر داهره را در بنگاله چنانچه سمت گزارش پذیرفته چشم  
زخمی عظیم و اختلالی فاحش روی داده بود و اگرچه زنده امرای  
عظام معظم خان باستظهار اقبال بی زوال خدیو جهان نوازم استقلال  
و پایداری بکار برده در مراتب سرداری کوتاهی نکرده بود و مغلوب  
رعب و تنزل نگشته با مجاهدان درست اخلاص عقیدتمند و مبارزان  
شهامت کیش ظفر پیوند در برابر غنیم عاقبت و خیم بر منہج  
مصطفیم عبودیت و جان فشانی ثابت قدم بود لیکن بغابر آئین  
حزم و دور بینی رای جهان آرای که جلا پذیر انوار الهام ربانی  
و مرآة غیب نمایی مصالح دولت و جهانبانیست چنان اقتضا

( ۴۴۵ )

نمود که رایات عالیجات بعزیمت شرق رویه از مستقر سریر  
 خلافت حرکت کرده بسمت ساحل رود گنگ ارتفاع یابد و بعد از  
 رسیدن بآن حدود اگر ضرور شود و مصلحت تقاضا کند بصوب اله آباد  
 و بنده نهضت نموده باین توجه همایون آنخان ارادت پرور و سایه  
 جنود ظفر اثر را تصرف و مظاهرت نمایند و اگر تا آن وقت خبر  
 غلبه و استیلائی افواج نصرت مآل و مقهور گشتن اعدای بد سگال  
 بمسامع جاه و جلال رسد و خاطر ملکوت ناظر از اختلال و فتور  
 جیوش منصور جمع گشته مصلحتی درپیش رفتن ننمایند روزی  
 چند درکنار رود گنگ و فواحی آن نشاط اندرز میر و شکار گشته  
 اوای مراجعت بدار الخلافة برافرازند بذابران سیوم ربیع الاول موافق  
 یست و ششم آبان که ساعتی مسعود بود متصدیان و عملة پیشخانه  
 را فرمان شد که باین عزیمت خیر انجام سرادفات اقبال بیرون  
 زنند و چون موسم وزن مبارک شمسی نزدیک بود مقرر فرمودند  
 که آن جشن فرخنده را در مقر اورنگ حشمت گذرانیده پس  
 ازان بدولت متوجه مقصد گردند \*

### جشن وزن خجسته شمسی سال چهل دوم

درین ایام سعادت فرجام جشن وزن مبارک شمسی سال چهل  
 و دوم از عمر کرامت قرین شاهنشاه زمان وزمین خدیو رامت  
 کمتر معدلت آئین صورت انعقاد یافته بزومی دلگشا و صحفلی  
 روح افزا مرتب گشت و بارگاه سلطنت و پیشگاه خلافت بسیط بساط  
 عشرت و انبساط و زیب اسباب نجمل و اهتشام آرایش پذیرفته روز

( ۴۴۶ )

مبارک پنجشنبه پنجم ماه مذکور مطابق بست و هشتم آبان بعد از انقضای یکپاس و یک‌گهزی ازان روز فیروز که ساعتی میمنت بخش نشاط افروز بود در پلک میزان از سنجیدن گوهر عنصر مقدس شاهنشاه آسمان‌جاء نمودار گفتین خورشید و ماه گردید و وزن مسعود باین مسعود بفعل آمده از رجوه آن عالمی را دامن خواهش مالا مال نقد آمانی و آمال شد و حال چهل و یکم شمسی از عمر ابد طراز بانجام رسیده سال چهل و دوم آغاز شد خدیو بنده پرور مکرمت شعار دست ابر آثار بحود و احسان کشاده بند های آمتان والا و ایستاده های پایه سریر معلی را بانواع لطف و مرحمت نوازش فرمودند از آنجمله راجه جیسنگه بانعام یک لک روپیه مطرح انوار عاطف گردید و راجه جسونت سنگه که بذابرتوق زلالت و سوابق تقصیران خطاب مهاراجگی از مسلوب شده بود درین روز همایون مورد لطف و تفضل بادشاه جرم بخش گردیده دگر باره بان و الاخطاب کامیاب گشت و بهادر خان بانعام بیست هزار روپیه نوازش یافته بکهنار سوار از تابان او در اسپه سه اسپه مقرر شد که منصبش از اصل و اضافت پنجهزاری پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه باشد و میرزا نو در صفوی که در سلک گوشه نشینان بود بانعام ده هزار روپیه مشمول عاطفت و انضال شد و کنور را مسنگه باضافه هزار سوار بمصب چهار هزاری چهار هزار سوار و مرتضی خان باضافه هزار سوار بمصب چهار هزاری سه هزار سوار بلند رتبه گردیدند و عابد خان بانعام دوازده هزار روپیه مباحی گشته بعطای علم لوای تغاخر بر افتراخت و میرزا خان از کومکبان بنگاله به نهایت نقاره و

( ۴۴۷ )

علم نوازش یافت و خان عالم که بنابر وقوع تقصیری از منصب معزول شده بود بمنصب صد هزاری دوهزار سوار مورد انظار فضل و مکرمت گردید و کیرت سنگه ولد راجه جیسنگه بمرحمت سرپیچ مرصع سربلند گشته بکامان پهاری که فوجداری آن باو متعلق بود مرخص شد و صفیخان بمرحمت یگزنجیر قیل و باضاده پانصدی بمنصب دوهزار و پانصدی هزار سوار و زار امرسنگه چندراوت باضاده پانصدی بمنصب دوهزار و پانصدی هزار سوار و شهاستخان بعنایت علم و غیرتخان باضاده پانصدی دوهزار بمنصب دو هزار و پانصدی شش صد سوار سرفراز گشتند و تهور خان که چندمی پیش ازین مورد عنایت خسروانگه گشته از منصب معزول شده بود بمنصب دوهزار و پانصدی پانصد سوار کامیاب مرحمت شد و محمد صالح ترخان که سابق قلعه دار حیوستان بود بنابر تهاون تقصیری هنگام رفتن دارا بیشکوه بنهته چنانچه در مقام خود گذارش یافته از صادر شده از منصب معزول گشته منضوب و معاتب بود از مراسم شهنشاه جرم بخش رخصت کورنش یافته بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار کامیاب تفضل گردید و منصب رشید خان از کومکدان بنگاله باضاده پانصد سوار هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار مقرر شد و راجه امر سنگه بزودی از اصل و اضاده بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و مان سنگه ولد روپ سنگه را تهور بعنایت پهونچی مرصع و باضاده پانصدی دوهزار و پانصدی هزار و پانصدی هفت صد سوار و اسماعیل ولد نیجاپتخان بخطاب خانی و باضاده پانصدی بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و

( ۴۵۸ )

فصل الله خان و آقا یوسف هر یک از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و ذوالقدر خان باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و میر ابراهیم میر توزوک باضافه پانصدی صد سوار بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و سزاوار خان باضافه پانصدی پنجاه سوار بمنصب هزار و پانصدی چهار صد سوار و پردلیخان بانعام هشت هزار روپیه و آغرخان بانعام چهار هزار روپیه و عطای خنجر مرصع و قادر داد انصاری بخطاب خانی و آتش قلماق بخطاب آتش خانی و محمد تقی برادرزاده وزیرخان بخطاب خانی و از اصل و اضافه بمنصب هزاری صد سوار سربلندی یافتند و معتمد خان خواجه سرای باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی سه صد سوار مباهی شده بمحارست قلعه مبارکه دارالخلافه بعد از نهضت رایات عالیات مورد انظار اعتماد گردید و مکرمت خان بدیوانی صوبه گجرات و اهتمام سرانجام امتعه و اشیای که برای سرکار خاصه شریفه در کارخانههای انجا مهیا میشود از تغییر رحمت خان منصوب گشته بعزایت خلعت و ماده فیل و از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی سه صد سوار مفتخر و مباهی شد و عبد الرسول دکنی بمرحمت جمدهر میدا کار نوازش یافته باکبرآباد مرخص گردید که در ملک همراهان اعتبار خان باشد و دربارخان خواجه سرای بخدمت ناظری حرم سرای مقدس خلعت سرافرازی پوشید و پنجهزار روپیه باهل طرب و نشاط و سرود سرایان آن محفل انبساط و یک هزار روپیه بملا محمد صادق طالب علم ایرانی که درین ایام باستیلام خلافت و جهانگیری رسیده



( ۴۴۹ )

بود عطا شد و بسیاری از بندهای بعزایت خاست قامت امتیاز  
افراختند و درین روز جهان انروز از جانب مسند نشین مشکوی  
عزت و اقبال پرده آرای هودج ابهت و جلال ملکه تقدس نقاب  
خورشید احتجاب روشن زای بیگم و همچنین از جانب ثمرات  
ریاض خلقت و جهانداري مقدسات تنق عظمت و کامگاری و دیگر  
پرده گزینان امتار عفت و نزهت پیشکشهای شایسته از جواهر  
دمرغ آلات و خوانهای زر و سیم نثار بنظر انور شهنشاہ روزگار رسید  
و باین دستور امرای رفیع منزلت و سائر مقربان پیشگاه دولت  
پیشکشها بمحل عرض کشیده رسم نثار بجا آوردند از آنجمله راجه  
جیستگه پیشکشی از جواهر و مرمغ آلات و نفانس اقمشه گذرانیده  
قریب یک لک روپیه بها شد و درین تاریخ جعفر فوجدار متبرا  
و مرحمت خان که از دکن آمده بود دولت زمین بوس سده  
سلطنت یافتند و سید لطف علی بخاری که سید بهادر پسرش  
فوت شده بود بمرحمت خلعت از اجناس کدورت برآمد و چون شب  
در رسید خدیو جهان در انجمن خاص غسلیخانه سریر آرائی دولت  
و کمرانی گشته بتمامای چراغانی که باشاره والا برکنار آب چون  
در کمال خوبی و نظر فریبی ترتیب یافته بود مسرت افزای خاطر  
اقدس شد و از آنجا که شهنشاہ دین پرور توفیق شعار از کمال حسن  
نیت و صفای طوبیت مبنغی حظیر از نقد و جنس موازی  
شش لک و سی هزار روپیه بود نذر سادات و مجاورین و خدمه و  
معتکفین حرمین شریفین زادهما الله شرفا و جلالا نموده مقرر  
فرموده بودند که مصحوب یکی از معتمدان درگاه آسمان جاه بان

( ۴۴۸ )

فصل الله خان و آقا یوسف هر یک از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و ذر القدر خان باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و میر ابراهیم میر توزوک باضافه پانصدی صد سوار بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و سزاوار خان باضافه پانصدی پنجاه سوار بمنصب هزار و پانصدی چهار صد سوار و پردلخان بانعام هشت هزار روپیه و آغرخان بانعام چهار هزار روپیه و عطای خنجر مرصع و قادر داد انصاری بخطاب خانی و آتش قلماق بخطاب آتش خانی و محمد تقی برادر زاده وزیرخان بخطاب خانی و از اصل و اضافه بمنصب هزاری صد سوار سربلندی یافتند و معتمد خان خواجه سرای باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی سه صد سوار مباهی شده بمحارست قلعه مبارکه دارالخلافه بعد از نهضت رایات عالیات مورد انظار اعتماد گردید و مکرمت خان بدیوانی صوبه گجرات و اهتمام سرانجام اسلحه و اشیای که برای سرکار خاصه شریفه در کارخانهای انجا مهیا میشود از تغییر رحمت خان منصوب گشته بمذابت خلعت و ماده فیل و از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی سه صد سوار مفتخر و مباهی شد و عبد الرسول دکنی بمرحمت جمدهر میذا کار نوازش یافته باکبرآباد مرخص گردید که در خلک همراهان اعتبار خان باشد و دربارخان خواجه سرای بمخدمت ناظری حرممهرای مقدس خلعت سرافرازی پوشید و پنجهزار روپیه باهل طرب و نشاط و سرود سرایان آن محفل انبساط و یکهزار روپیه بمحمد صادق طالب علم ایرانی که درین ایام باستیلام خلافت و جهانگیری رسیده

( ۴۶۹ )

بود عطا شد و بسیاری از بندهای بعنایت خاست قامت استیلاز  
افراختند و درین روز جهان افروز از جانب مسند نشین مشکوی  
عزت و اقبال پرده آرای هودج ابهت و جلال ملکه تقدس نقاب  
خورشید احتجاب روشن رای بیگم و همچنین از جانب ثمرات  
ریاض خلافت و جهانداری مقدسات تنق عظمت و کامکاری و دیگر  
پرده گزینان استار عفت و نزهت پیدشکهای شایسته از جواهر  
و مرصع آلات و خوانهای زرد سیم نثار بنظر انور شهنشاه روزگار رسید  
و باین دستور امرای رفیع منزلت و سائر مقربان پیشگاه دولت  
پیدشکها بمحل عرض کشیده رسم نثار بجا آوردند از آن جمله راجه  
جیستگه پیدشکشی از جواهر و مرصع آلات و نفائس اقمشه گذرانیده  
قریب یک لک روپیه بها شد و درین تاریخ جعفر فوجدار متھرا  
و مرحمت خان که از دکن آمده بود دولت زمین بوس سده  
سلطنت یافتند و سید لطف علی بخاری که سید بهادر پسرش  
فوت شده بود به مرحمت خلعت از لباس کدورت بر آمد و چون شب  
در رسید خدیو جهان در انجمن خاص غسلخانه سریر آرای دولت  
و کمرانی گشته بدماشای چراغانی که باشا و والا بر کنار آب چون  
در کمال خوبی و لظرفریبی ترتیب یافته بود مسرت افزای خاطر  
اقدس شد و از آنجا که شهنشاه دین پرور توفیق شعار از کمال حسن  
نیت و صفای طوبیت مبلغی خطیر از نقد و جنس موازی  
شش لک و حی هزار روپیه بود نذر سادات و مجاورین و خدمه و  
معتکفین حرمین شریفین زاهدما الله شرفا و جلالا نموده مقرر  
فرموده بودند که مصحوب یکی از معتمدان درگاه آمان جاه بان

( ۴۵۰ )

اماکن قدس فرستاده زمره سادات و صلحاء مشایخ و اتقیا را که شرف اندوز مجاورت حرم آی در حرم مکرم باشند از فوائد آن بهرور سازند درین اوقات سعادت پیرا میر ابراهیم خلف مغفرت آیات میر نعمان که سیدی پاک طینت صالح و سیمای تدبیر و پرهیزگاری از نامیده حالش هویدا و لایح بود و قبل ازین نیز بزیارت حرمین مکرمین مشرف گشته لیانت و شائستگی این امر داشت بتقدیم این خدمت و الارتبت مقرر شده سعادت دارین اندوخت و بعدایت خلعت مباحی شده مرخص گردید و خواجه سلامت بخدمت تحویلدارئی نقود و اجناسی که مصحوب او فرستاده میدهد و موازی شش لک و سی هزار روپیه بود معین گشته خلعت مورفرازی پوشید هشتم ماه مذکور موافق غره آذر که ساعت نهضت رایات عالیات بود بعد از انقضای بک پاس و سه گهری حضرت شهذشاهی قرن تائید الهی از آب جون عبور نموده لوای جهانکشا بصوب ساحل گنگ انراختند و آن روز در گروه طی کرده منزل آرای اقبال گردیدند و چون از وقائع سمت پرب مکرر بعرض واقفان پایت سریر خلافت مصیر رسیده بود که بهادر نام منسسی از طائفه بچکوئی در سمت بیسواره سر بفتنه و فساد و رهزنی و امثال برداشته است و جمعی کثیر و فرقه انبوه از کواران و متمردان طایفه بیدس و دیگر واقعه جوبان و خلاف منشان آن سمت باو گرویده باستظهار جمعیت و هجوم او باش لوای جرأت و جسارت بتاخت و غارت آن حدود انراشته و رعایا و مترددین از سرشورش و طغیانش در امان نیستند لهذا دوع او نیز پیشنهاه خاطر اقدس گشته بهادر خان با جمعی

( ۳۵۱ )

از افواج نصرت مآل بدفع و امتیصال آن بغی اندیش فتنه مگال  
تعیین یافت و بعنایت خلعت غاص و شمشیر و سپر هر دو باهاز  
مرصع مورد نوازش گشته درین تاریخ مرخص شد و راه امر سنگه  
چندراوت و جگت سنگه هاده و راه سنگه راتهور و اغرخان و سبد  
مصطفی و رگه‌نازه سنگه و محمد صالح ترخان و غیثت و مظفر  
پسران بهادر خان افغان و بلوی پوهان و گروهی دیگر بهمراهی او  
معین گشته بمراحم خسروانه مر بلند گردیدند و دانشمند خان که  
نظم مهم دارالخلافة دار تقویض یافته بود بمرحمت خلعت  
خاصه و یک زنجیر نیل و نجابنجان که در سلک گوشه نشینان  
بود و معتمد خان خواجه مرا که بمحارمت قلعه مبارکه معین  
شده بود هر یک بعنایت خلعت مباهی گشته مرخص شدند  
و اعتقاد خان و تقرب خان بعنایت خلعت مر بلند گشته رخصت  
یافتند که تا معاودت رایات عالیات در دارالخلافة بسر برند و کیرت  
سنگه که فوجدار حیوات بود فوجداری نواهی دارالخلافة از تغیر  
حسن علی خان ضمیمه خدمتش گشته بمرحمت اسپ و باضافه  
پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصد می دو هزار سوار مقتدر  
گردید و روح الله دیوان دارالخلافة و عبد الرحیم خان که بخداست  
بخشگیری و واقعه نویسی آن مرکز خلافت تعیین یافته بود و حقیقت  
خان و عنایت خان ولد ظفر خان که از زمره اشکروغا بودند خلعت  
رخصت یافتند و خوشحال بیگ کاشغری که در سلک گوشه نشینان  
منتظم بود بانعام دوصد اشرفی و قابلخان مذهبی که او نیز بوظائف  
دعا گوئی اشتغال داشت بانعام یک هزار روپیه مشمول عنایت شده

( ۴۵۲ )

مرخص گشتند و در منزل مذکور دو روز مقام شده یازدهم رایات عالیات از آنجا نهضت نمود و اعتقاد خان بعنایت خلعت مر بلندی یافتند بپادشاه جهان آباد مرخص گردیدند که تا مراجعت موکب منصور آنجا بصر برود و رضویخان که منصبش برطرف شده بسالیانه دوازده هزار روپیه کامیاب مرحمت شده بود بعطای خلعت و انعام پنج هزار روپیه سرفراز گشته بکجرات که وطن مالوف اوست رخصت یافت که آنجا صرفه الحال بدعای دولت ابدی دوام قیام نماید نوزدهم رایت مسعود ظل و رون بر ساحل رود گنگ انگنده موضع گده مکتبیسر فیض اندوز نزول انبال شد و چون چیرز و کانگ و مرغابی و دیگر اقسام شکار از سباع و وحوش در آنجا بسیار بود و سرزمینهای خوش و جنگلهای دلکش داشت روزی چند بقصد سیر و شکار در آن مکان دلفشین نزهت نشان افامت موکب جلال مقرر گشت و ازین جهت که رخشنده گوهر درج دوامت تابنده اختر برج عظمت پادشاه زاده والا قدر خجسته شیم محمد معظم چنانچه گزارش یافت بموجب یرایغ طلب با وزیرخان از دکن متوجه کعبه حضور گشته درین وقت نزدیک رسیده بودند بیست دوم که ساعت ملازمت آنغره یاصیه حشمت بود حکم شد که محمد امین خان میر بخشی و فاضلخان میر سامان تا یک کرره راه پذیر گشته آن بهمین نوباره نهال حلطنت را بمنز ملازمت اشرف دانهز گردانند و بعد از انقضای شش گهری از روز مذکور پادشاهزاده والا قدر کامکار بتوره و آئینی

( ۴۵۳ )

شایسته و سزاوار در انجمن خاص غسلیخانه سعادت اندروز ملازمت اکسیر  
خاصیت شاهنشاه روزگار شده آداب کورنش و تسلیم بتقدیم رسانیدند  
و یکهزار اشرفی و یکهزار روپیه بصیغه نذر گذرانیدند و چون آن والا  
نزد عالی تبار بدولت پای بنوس حربلندی دارین اندوختند  
حضرت شاهنشاهی از کمال شوق و عاطفت آن نخل گلشن حشمت  
و کمرانی را در آغوش عنایت و مهربانی کشیده کامیاب سعادت  
دو جهانی ساختند و خلعت خاصه با نادری و یکصد اسب از انجمله  
بیعت راس عربی و عراقی یکی با زین و ساز میناکار و دیگری  
با ساز طلای ماهه و یکزنجیر فیل خاصه مزین بساز نقره و جل  
زرینت و یکقبضه نچمدهر مربع باعلاقه مروراید بان غره ناصیه  
دولت مرحمت فرمودند و وزیر خان که در خدمت آن بادشاه زاده  
ارجمند آمده بود جبین ارادت بر آستان عبودیت عوده پانصد مهر  
و یکهزار روپیه بر سبیل نذر گذرانید و بعنایت خلعت خاصه نوازش  
یافت و چون قراران در بیشه‌های آن نواحی شیری قبل کرده بودند  
شهنشاه هزبر دولت شیر شکار عزم صید آن سبع ضار فرموده بعد از  
ملازمت بادشاه زاده سعادت پیوند که یکپاس از روز گذشته بود قرین  
عز و علا بر تخت روان طلایی که سر پوشیده بشکل بنگله ماخته بودند از  
مخترعات طبع مقدس این مبدع آئین دولت و کمرانیست و درین  
هنگام بدوایه اتمام یافته بود سوار شده بشکار توجه فرمودند و نزدیک  
نخچیر گاه بر فیل سوار شده بادشاه زاده محمد معظم را در عقب سر  
مبارک جای دادند و چون بشیر رسیدند آن سبع جانگزی را  
بضرب بندوق از پا در آوردند و در همان نواحی ساعتی چند بشکار

( ۳۵۴ )

چهرز بهجت اندرز گشته مراجعت فرمودند و سه روز دیگر قرین دولت  
و کامروائی اقبال دران سر منزل عزو جلال اقامت گزیده بنشاط  
شکار مسرت و برای طبع اقدس بودند درین ایام پادشاه زاده کامگار  
بختیار محمد معظم را بعزایت بکفقد سروراید و دهکده کی و پهنوچی  
مرصع و شمشیر خاصه و سپر با ساز میفاکار و دو صد ثوب از ملبوسات  
خاص عز اختصاص بخشیدند و راناراجنگه و مهابتخان صوبه دار  
کابل بعزایت ارسال خلعت زمستانی قامت مباحات انراختند و  
امیر خان بمرحمت بکزنچیر فیل سر بلند می، یامت و مدارک خان  
نیازی از کومکدان صوبه کابل بفوجداری بنگش از تغیر حسین  
بیگخان منصوب شده هزار سوار از تابندگان او دو اسبه سه اسبه مقرر  
گشت که از اصل و اضافه منصبش دو هزاری دو هزار سوار از آنجمله  
هزار سوار دو اسبه سه اسبه باشد و منعم خان بقلعه داری، احمدنگر  
از تغیر دارابخان معین گشته بعزایت خلعت و احب و اضافه  
پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی هزار سوار سرافراز گردید  
و اسماعیل خان بفوجداری جالذپور تعین یافته بمرحمت خلعت  
و احب مباحی شد و مانسنگه و ان روپ سنگه راتهور بعطای  
جمدهر مرصع باعلاقه سروراید مشمول عاطفت گشته رخصت وطن  
یافت و مهرباب خان فوجدار بالپور بعزایت ارسال خلعت کسیداب  
عزت شد و مرحمت خان و تشریفخان که از دکن آمده بودند بعطای  
خدمت و آتشخان بمرحمت خنجر باعلاقه سروراید و اودی کرن  
وکیل را نا بمرحمت احب و بهگوتیکاس دیوان مستقر الخلفه  
اکبر اباد بخطاب رائی سر بلند شدند و مصری افغان بفوجداری



( ۴۵۵ )

\* سلطان پور منصوب گشته بعدایت امپ و از اصل و اضافه بمنصب  
 هزار و پانصدی هزار سوار عز افتخار یادت و پیشکش اعتماد  
 خان صوبه دار کشمیر از نفائس امتعه آنجا بنظر قدسی اثر رسید و  
 خواجه برخوردار مخاطب باشرف خان که از قلعه داری اودیسه<sup>(۴)</sup>  
 معزول شده بود شرف اندوز ملازمت اشرف گشته یکنزنجیر نیل  
 پیشکش نمود و چون تخت روان مسقف طلائی که مذکور شد  
 باهتمام امیدهای زرگر که داروغگی کارخانه ساختن طلا آلات و نقره  
 آلات باو تعلق داشت در عرض اندک فرصتی موافق حکم معلی  
 و خواهش طبع والا صورت اتمام یافته بود مراحم پادشاهانه او را  
 بعطای ماده نیل و اضافه منصب نوازش فرمود باجمله چون قرالان  
 بتفحص شکار رفته بودند بمسامع جلال رسانیدند که در موضع برکهانگر  
 چرز بسیار است خاطر ملکوت ناظر بشکار آن سمت توجه نمود  
 و بیست و ششم رایات ظفر اثر از کده منتدیسر باهتر از آمده عرصه  
 برکهانگر مرکز دایره اقبال گردید و سه روز آنجا مقام شده اشتغال  
 بصید چرز نشاط ادزایی طبع مبارک بود و چون قرالان در آن روزی  
 گنگ شیری قیل کرده بودند شهنشاه شیر دل ۵۰ هزار امکن روز میوم  
 از آب عبور فرموده آرا بضرب تفنگ از پای در آوردند سلخ  
 ماه مذکور موکب منصور از آنجا نهضت نموده بطی دو مرحله  
 پرتو سعادت و میروزی بر موضع نیروز پور گسترده و یک روز آنجا  
 مقام شد از سوانح این ایام مفتوح شدن حصن فلک اساس رهتاس

( ۴۵۶ )

است قبل ازین بابا بیگ نوکر فاشیاج که از جانب او بحراست آن قلعہ سپہر ارتقاچ قیام داشت از سعادت منشی و نیک سرانجامی اظهار دادن قلعہ و خواهش عبودیت این آستان جلالت نشان کرده بود و باشاره همایون سلطان بیگ و کامگار خان با جمعی از جنود کپهان ستان معین گشته بودند که بانجا شمامتہ آن حصن قوی بنیان را بتصرف آورند درین هنگام از عرضه داشت آنها معلوم رای جهان آرای شد کہ بابا بیگ مذکور بر رونق قرار داد قلعہ را بتصرف بندهای بادشاهی داده متوجه درگاه خلایق پناه گردیده است عاطفت بادشاه بنده پرور مکرمت گستر کہ پیوستہ برای نوازش فدویان اخلاص مند و تربیت و پرورش بندهای عقیدت پیوند سبب جود بهانہ طلب است این فتح آسمانی را کہ بمعافیت اقبال بی زوال و بی تکاپوی سعی و کوشش و نیروی محاصره و جدال روی داده بود تقریب مرحمت و بنده پروری ساخته سلطان بیگ را بخطاب شاه ولی خان و عنایت ارسال خلعت و اسب و از اصل و اضافہ ہزار و پانصدی ہفت صد سوار و کامگار خان را از اصل و اضافہ بمنصب ہزار و پانصدی ہزار سوار مباحی گردانیدند و حراست قلعہ مذکورہ بشاہ ولی خان تفویض یافت سیوم ربیع الثانی موضع احمد پور مرکز ریات منصور گشته روز دیگر آنجا مقام شد و از آنجا لوای جهانکشا بطی دو مرحلہ بموضعی از کنار گنگ کہ چرز دافر داشت پرتو نزول انگندہ چہار روز آنجا اقامت واقع شد و حضرت شاہنشی چرز بسیار شکار کردہ بود دنعہ در آنروی آب دو قلہ شیرینی نرو دیگری مادہ کہ بچہ ہمراہ داشت

( ۴۵۷ )

بصرب تفنگ از پای در آوردند و بیچه شیر را با شاره همایون قراولان  
زند گرفتند درین هنگام عاطفت بادشاهانه گوهر درج حشمت  
واقبال اختر برج عظمت و جلال بادشاه زاده محمد معظم را بعطای  
دهکده کی الماس و یک عقد سرواریدگران بها عز اختصاص بخشید  
و فیض الله خان قراول بیگی و جعفر نوجدا متهورا و حسنعلی  
خان قوش بیگی بمعنایت خلعت قامت امتیاز انراختند و هرجه  
ولد راجه پتهلداس که برادرش فوت شده بود همچنان راجسنگه  
و رامسنگه پسران ارچن کور که برادر زاده های او بودند بمعنایت خلعت  
سرفراز گردیدند و عبد الرحیم و محمد رشید پسران مخلصیان که  
چندی قبل ازین در صوبه کابل در گذشته مورد انظار نوازش شده  
بمناسب مناسبت کامیاب تربیت بادشاهانه گشتند یازدهم ماه  
مذکور موضع سرن گهات که قراولان شکار بهیار در نواحی آن دیده  
بودند مضرب خیام فلک احترام گردید و خدیو جهان چهار روز  
دران سر منزل فیض نشان بساط انامت گسترده نشاط اندرز شکار  
بودند و چرز بسیار صید کرده دو شیر به تفنگ زدند از سوانج آنگه  
چون گوهر محبط خافت و جهانبانی پادشاه زاده والا قدر خجسته  
شیم محمد معظم برتبه بلوغ و جوانی که هنگام نشاط و کامرانی ست  
رسیده بودند عاطفت بادشاه کامل خرد بالغ نظر پرتو تربیت بحال  
آن نونهال گلشن انبال افکنده پانزدهم در همین منزل گاه عز و  
جاه مخدیه عفت مرثنی که از بذات اشرف خراسان بود و  
شائستگی اقتران با آن اختر برج عظمت و کامکاری داشت عجماله  
در ملک ازدواج آن بادشاهزاده ارجمند سعادت پیوند کشیدند و

( ۱۵۸ )

شبه هنگام که ساعت عقد بود اقصی القضاة قاضی عبد الوهاب را طلبیده در حضور پسر نور عقد فرمودند و از روی عنایت یک عقد مروارید گران بها بآن عالی تبار والا گهر مرحمت نمودند شانزدهم از سرن گهاگ کوچ شده بالای موضع نورنگر مخیم اردوی ظفر پیکر گشت و چون هنگام نزول بمنزل عبور اشرف از پیش دائره پادشاه زاده والا قدر سعادت توأم محمد معظم وزیر خان شد آن کامگار بختیار و خان اخلاص شعار هر یک پیشکشی از جواهر و مرصع آلات گذرایید و مویب ظفر پناه پنج روز در آن سر منزل مقام فرموده نشاط شکار مسرت انزای طبع همایون بود و چون خاطر ملکوت ناظر از حیر و شکار آن حدود پرداخت عزم توجه الی اباد که مقصد اصلی ازین نهضت جهالکشا آن بود وجه همت ملک پیرا گردید و بیست و دوم رایات نصرت طراز از نورنگر باهتر از آمده بکده مکتبصر مراجعت نمود و شهنشاہ دین پناه در انذای راه شیری که مرالان در آن نواحی قبل کرده بودند بتغذگ زدند و بشش کوچ و دو مقام دوم چمان اولی دیگر باره چتر والی ابدال بر مساحت کده مکتبصر سایه گستر شد و روز دیگر که آنجا مقام بود از رفائع بنگانه معروض بارگاه خلافت گردید که بیکه تاز خان در محاربه که عساکر ظفر مائرا درین ایام با ناشجاع روی داده بود جان نثار گشته سرخروئی جاوید اندوخت و درین وقت پادشاه زاده کامگار عالی مقدار محمد معظم بمرحمت خلعت بازانی و اسپ عربی با ساز طه و یک عدد پاندان مرصع با خوانچه و دیگر ادوات آن که مجموع مرصع بود مورد انظار عاطفت پادشاهانه گردیدند و جمعی از بندهای آستان سلطنت ببنایت خلعت مفتخر

( ۴۵۹ )

و مباحی شدند چهارم از کده مکتیصر بعزیمت اله آباد کوچ شده  
 پنزدهم عرصه سورون که شکار گاهی دل پذیر و دشتی پر نخچیر است  
 کامیاب نزول موکب عالم گیر گردید و در اثنای راه ماده شیرینی که  
 قراولان قبل کرده بودند شکار شهنشاه وزیر صولت شد و درین ایام  
 کنور رام سنگه بعطای خلعت خاص مباحی گردید و پرتوی سنگه  
 ولد مهاراجه جسولت سنگه که از پیش پدر خویش آمده بود جبه  
 های آستان خلافت گشته در زنجیر نیل برسم پیگش گذرانید و  
 بعطای خلعت و دهکده کی الماس و یک عقد سرورید عز مباحات  
 اندوخت و بیگونت سنگه هاده از وطن و قلعه دار خان از دکن  
 رسیده دولت اندرز ملازمت اکسبر خاصیت گردیدند و خان مذکور  
 یک زنجیر نیل برسم پیشکش گذرانید و شیخ محبوب محمد از  
 اولاد کرام نقاوه اولیای عظام خواجه بهاء الدین ملتانی قدس الله  
 سره بعطای خلعت و ماده نیل کامیاب مکرمت گشته رخصت  
 وطن یافت باجمله شکار گاه سورون سه روز فیض اندرز نزول همایون  
 گشته سیر و شکار آن عرصه نزهت اثر مسرت افزای طبع مبارک  
 خدیو خورشید قدر جمشید فر شد و از جمله شکارهای خسروانه  
 در آنجا بوتوق آمدن آن بود که خاقان جهان در یک روز پنج شیر  
 بنیروی بازوی اقبال عالم گیر از پا در انگنده ساکنان آن مرز و بوم  
 را از شر آن سباع جانگزا بفیض ممدات شهنشاهانه رهائی بخشیدند  
 و درین منزل جعفر ولد اله رودیخان را که فوجداری متهرا بار  
 تعلق داشت و پدرش را چنانچه سابقا گزارش یافت ناشجاع به تیغ  
 بیداد از هم گذرانیده بود مشمول انظار مرحمت گردانیده منصبش

( ۴۹۰ )

را به سه هزاری سه هزار هزار از انجمله یک هزار سوار دو اسبه سه  
 اسبه بود از اصل و اضافه سه هزار و پانصدی سه هزار سوار دو اسبه سه  
 اسبه مقرر ساختند و بخطاب اله وردیخانی و عنایت خلعت  
 خاصه و احب با ساز طلا نواختند و بخدمت مرجوعه رخصت نموده  
 سه پسر او را نیز خلعت مرحمت کردند و درین هنگام خاطر  
 ملک پیرا پرتو التفات بحال مجاهدان توپخانه همایون افکنده ولی  
 بیگ کولابی را منک باشی اول برقدازان فرمودند و بعنایت  
 خلعت و از اصل و اضافه بمنصب هزاری دصد سوار نوازش نمودند  
 و ولی بیگ علیمردان خان را منک باشی دوم ساخته بمرحمت  
 خلعت و اضافه منصب سفنخور مباحی گردانیدند و جمعی  
 کثیر از جماعت داران دیگر را برتبه بوز باشیکری پایه عزت افزوده  
 خلعت سر افزای بخشیدند هجدهم از سورون کوچ شده موضع  
 چاندپور محط سردق منصور گردید و از وفات بنگاله بمسماح  
 حقائق مسماح رسید که دور احسن که از عهدهای ناشجاع  
 بود برهبری بخت بیدار ازان بر گشته روزگار جدا شده بچند  
 مسعود پادشاهی پیوست و روز دیگر سه گروه طی کرده نزول  
 اجلال شد و چون طبع اقدس حضرت شاهنشاهی بتماشای جنگ فیل  
 رغبت داشت فردای آن که کوچ بود اوائل روز حضرت شاهنشاهی  
 یک جفت فیل بچنگ انداخته نشاط اندوز آن تماشای غریب  
 خاطر فریب شدند و بعد از فراغ قرین سعادت و کامرانی ازان منزل  
 نهضت فرمودند درین تاریخ عرضه داشت زبدا امرای عظام معظم  
 خان مشعرباین معنی به پیشگاه خلافت رسید که ناشجاع بلیخورد

( ۱۹۱ )

بد مآل که بسودای باطل و خیال محال درین مدت در بنگاله قدم  
استقامت بمداومت و مقاومت جنود اقبال انشوده غبار فسان  
انگیخت و چون مرغ نیم بسمل دست و پائی زنده حرکة المذبوحی  
میکرد درین هنگام از سطوت و استیلا عساکر ظفر مائت قواعد همت  
و ارکان ثباتش تنزل یافته سلك شوکت و جمعیتش از هم گسسته  
است و آن خان عقیدت نشان بافواج منصور از آب گنگ عبور کرده  
بقلع و استیصال و اتمام مهم آن فتنه انگیز بد سگال کمر همت  
بسته چنانچه بالفعل از تائده که آنرا بنگاله خود ساخته آنجا رحل  
اقامت انداخته بود هزیمت جهانگیرنگر کرده است همچنانکه  
تفصیل آن بعد ازین مرقوم کلک حقائق نگار خواهد گردید بالجمله  
روز دیگر که مقام بود چون قرادان دران نواحی شیرینی قبل کرده  
بودند شهشاه هزیر امکن شیر شکار سوار شده آن سبع ضار را بضرب  
تغذگ از پای درآوردند و از آنجا بطی سه مرحله بالای شمس آباد  
نزول سعادت نمودند و دران موضع بنابر رفور صید و شکار سه روز  
اقامت گزیده در ماده شیر و چوز و مرغابی بسیار شکار فرمودند چون  
مقصد اصلی ازین مهضت جهان پیرا معاضدت و امداد عساکر بنگاله  
بود و نیروی تائیدات آسمانی و میامن توفیقات یزدانی بی آنکه  
کومک تازه بان جنود مسعود پیوند و صورت فتح و ظفر در آئینه  
تیغ مجاهدان جیوش قاهره جلوه گر شده مرده نصرت و فیروزی و  
نوید دولت و بهروزی بمسابع جاه و جلال رسید و خاطر مهر تدویر  
ازان مهم خطیر فرامت پذیرنده موکب منصور را مصلحتی در پیش رفتن  
نماند رای عالم آزایی بادشاه عالمگیر کشور کشا درین منزل همایون

( ۱۶۶ )

عزیمت معارفت مصمم فرمود و عنان توجه والا بسمت دار الخلافة  
افعطاف داده لوای مراجعت برانراختند درین ایام فرورخ اخترعظمت  
و بختیاری بهار گنشن ابهت و نامداری بادشاهزاده عالیقدر ارجمند  
محمد معظم بعنایت خلعت خاص زمستانی عز اختصاص یافتند  
و همچنین امرای عظام و سائر عمدهای آستان سلطنت مقام که  
کامیاب خدمت حضور بودند باین مرحمت کسوت امتیاز پوشیدند  
و امیر الامرا صوبه دار دکن و معظم خان سپهدار بنگاله و دیگر عمدها  
و امرای اطراف باین عنایت قامت مباحثات افراختند و مرتضی  
خان بعطای شمشیر خاصه و ابراهیم خان بمکرمت خنجر مرصع  
مشمول عاطفت خسروانه شدند و میر خان خلف خلیل الله خان  
که در حدود کوهستان جمون خدمات شایسته از بظهور رسیده قلعه  
تاراکده را که مفسدان آن سر زمین در ایام فتور از تصرف بندهای  
بادشاهی بر آورده بودند استخلاص نموده بود بعنایت ارسال خلعت  
و نقاره مورد نوازش شد و فیض الله خان و عاف شکنخان بعطای  
خلعت مباحی گردیدند و پرتهی سنگه واک مهاراجه جسونت سنگه  
در زنجیر فیل پیشکش نموده بعنایت دهکدهکی العاص سر بلند  
گردید و نصرتخان بفوجداری مانیکپور معین گشته از اصل و افاده  
بمنصب دو هزاری سه صد سوار سرفراز گشت چون خواجه عبد  
الغفار که از خواجههای معزز معتبر سوار الذهر است چون درین  
ایام عریضه مهنی بر مراسم دعاگوی وقواعد هواخواهی با مختصر  
پیشکشی بدرگاه آسمان جاد فرستاده بود از خزانگه انعام  
بادشاهی که نمودار گنجینه فیض عام الهی ست دوازده هزار روپیه



( ۱۹۳ )

بفرستادهای او حواله رفت که از نفائس امتعه هندوستان فیض  
مکان خرید نموده برای خواجه مشار الیه ببرند و آن ها نیز  
کامیاب انعام و افضال بادشاه دریا نوال گردیدند و خواجه میر عبد  
العظیم که او نیز از خواجهای ماورالنهر است بعطای در هزار  
روپیه مورد عاطفت گشت و میر مظفر حسین و میر ابن حسین  
از اولاد ابن حسن خان فیروز جنگ که درین ایام از ایران بعزم  
بندگی این درگاه خلائق پناه آمده بودند هر یک بعنایت خلعت  
و خنجر و انعام در هزار و پانصد روپیه کامیاب مرحمت گشته  
بمناصب مناصب مغنجر و مباحی گردیدند و موکب جاء و جلال  
از بالای شمس آباد بچهار منزل سلخ ماه مذکور پرتو ورود بشکار  
گاه سورون افکند و یکروز آنجا اقامت بگزید و از آنجا تا چهار روز دیگر  
بر کنار رود گنگ مرحله پیمای گشته ششم جمادی الاخر از ساحل  
گنگ بعسک دار الخلافه میل کرد و از سورون تا اینجا حضرت  
شهنشاهی بنیروی تائید الهی هشت شیر دیگر شکار فرمودند درین  
هنگام ذو الفقار خان از کومکیان بنگاله بعنایت ارسال خلعت خاصه  
با ندری عز امتیاز یامت و اله ورد بخان فرجدار متهراز از مجال  
نوجداری خود رسیده دولت اندوز ملازمت گردید و پیشکشی از  
مرمع آلات گذرانید و میر بامی راد میر محمود اصفهانی که  
مراد بخش در ایام تنور و زمان خود سری بمظنه نفاق و بی  
اخلاصی ازو منحرف شده او را با پدرش از گجرات اخراج کرده  
از راه دریا با یران فرستاده بود و او درین ایام باستماع صیحه  
خلعت و مریر آرائی شهنشاه جهان از ایران احرام طواف کعبه

( ۴۶۴ )

اقبال بسته متوجه درگاه خلایق پناه شده بود بادراک دولت زمین  
 بوس ظلمت زدایی اختر طالع گردید و بمرحمت خلعت و انعام  
 چهار هزار روپیه نوازش یافت درین اوقات نگارندگان و فاضل حضور  
 لامع النور بعرض اشرف رسانیدند که درین مدت که شاهنشاه روزگار  
 نشاط اندرز میداد و شکار بودند و چهار صد چرز شکار شاهین دولت  
 شده از انجمله در صد و پنجاه و هشت چرز بدست مبارک میداد فرمودند  
 و مابقی چه در حضور پرنور و چه غایبانه شکار قوشچیان و سایر  
 شکاران شده و بدست و پنج شیر هدف تیر اقبال عالمگیر گشته از انجمله  
 بدست رسه شیر بنفس افس از پای در آوردند و یکی را پادشاه  
 زانجا جوانبخت کامگار محمد معظم با اشاره والا بتفنگ زدند و یک  
 شیر بچه را قراران زنده گرفته و دیگر اقسام شکار از مرغابی و دراج و  
 غیر آن وزن از حیز تعداد است با انجمله موکب جهانباشا از کنار  
 گنگ بطی شش مرحله یازدهم ماه مذکور ظل اقبال بر نواحی  
 دار الخلافة امکنده در پنج گروهی شهر نزول اجلال گزید و روز دیگر  
 مقام شد و دانشمند خان صوبه دار دار الخلافة و اتمتقاد خان و ظفر  
 خان و فاخر خان و خواجه عبد الوهاب و متصدیان و کومدیان آن  
 مستقر دولت سعادت زمین بوس در یافتند درین ایام راجه  
 جیسنگه یک راس اسب عربی با ساز طلا بنظر معلی در آورده  
 بقبول آن سر بلند شد و طاهر خان بمرحمت اسب عراقی با ساز طلا  
 مورد نوازش گشته بجایگزین مرخص گردید و جانباز خان بفوجداری لکهی  
 جنگل و دیبال پور از تغیر شهباز خان معین گشته بمرحمت خلعت  
 و اسب مباحی شد و منصبش که دوهزار ری پانصد موار بود باضافه

( ۴۶۵ )

دو امده مه اسده افزایش پذیرفت و معمر خان بفرج‌داری بنارس  
 از تغییر شرف خان بیگ منصوب گشته بعنایت خلعت و از اصل  
 و اضافه بمنصب دو هزار و پنجاه سوار سرانرازی یافت  
 و معین خان بخدمت وکالت سرکار پادشاه زاده نیک اختر والا گهر  
 محمد معظم خلعت مباحات پوشیده از اصل و اضافه بمنصب هزار  
 و پانصدی در صد و پنجاه سوار مشمول عنایت گشت سیزدهم کوچ  
 شده موضع شاهدره که یکا کروه شهر است محط سراق جاه و جلال  
 گردید و حضرت شاهنشاهی در اثنای راه نشاط اندوز شکار گشته  
 یازده آه و کلنگ و مرغابی بسیار صید فرمودند و روز دیگر مقام  
 شده نجابت خان که برسم گوشه نشینی در دار الخلافه بسر میبرد  
 جبهه های عتبه خلافت گردید و کثرت سنگه ولد راجه جیسنگه از  
 میوات رسیده بتقدیر حده حنیه تارک انتخار افراخت و بهادرخان  
 چنانچه گزارش یافته بدفع فتنه بهادر بچگونگی معین شده بود  
 چون کفایت مهم او نموده رفع فساد آن بد نهاد کرده بود درین  
 اوقات بصوبه دارعی اله اباد از تغییر خان دوران سر بلند گشته فرمان  
 مرحمت عنوان مشعر باین معنی با خلعت خاصه برای او ارسال  
 یافت و روز مبارک جمعه پانزدهم جمادی الاخره مطابق نهم  
 اصفندار که ساعت دخول دار الخلافه بود خدیو زمان شهنشاه جهان  
 ستان با جهانی فرودشان بر فیلی کوه پیکر گردون توان که تخت  
 فلک پایه طلا بر پشت آن نصب کرده بودند قرین سعادت و عظمت  
 حوار شده متوجه شهر گردیدند و فیل حوار از دریا عبور نموده داخل  
 دار الخلافه شاه جهان آباد شدند و نخست پرتو نزول بمسجد جامع

( ۴۹۹ )

انگنده نماز جمعه گزاردند و از اینجا با شکوه آسمانی و نریزدانی سوار شده در ساعتی مسعود قلعه مبارکه را از یمن نزول همایون هر باوچ گردون برانراختند و زمانی در خاص و عام و لمحّه در غسلخانه سریر آرای اقبال گردیدند و تقرب خان که در شهر بود و معتمدخان قلعه دار بادراک دولت زمین بوس چهره عزت برانراختند درین ایام پیشکش تازه نهان گلشن هشت و جلال بادشاه زاده ارجمند سعادت پیوند فرخنده نال محمد اعظم از نوادر جواهر و نفائس اقمشه بنظر اکبر اثر رسیده رتبه قبول پذیرفت و یک زنجیر فیل با هازنقرو رجل زربفت و یک سانه میل که سخناار خان از دکن برسم پیشکش بجناب خلافت فرستاده بود و پیشکش قبای خان صوبه دار تهیه بمحل عرض رسیده شرف پذیرای یامت و بهگونت منگه هاده بمرحمت علم رایت مباحات افراخت و شاه قلیخان که چنانچه گزارش پذیرفت قلعه داری رهنداس بار تفویض یافته بود بنضامه پانصدی بمنصب دو هزاری هفت صد سوار مورد انظار مرحمت گردید و منصب و قلعه دار خان از اصل و اضافه هزاری چهار صد سوار قرار یافت و درین هنگام خضر ابد از میامن قدوم خدیو جهان فیض اندوز گشته دو روز هیرو شکار آن فواحی مسرت امزای خاطر ملکوت ناظر گردید و از اینجا معاودت نموده بامز اباد توجه فرمودند و دو روز دیگر قرین دولت و کامرانی دران مکان فیض نشان بسر برده روز هیوم از اینجا بشکار گاه میبوی که آن را باترپ شکار موم ساخته اند متوجه گشتند و دران لختچبر گاه اقبال نیز در روز بشکار نیله کار و آهو نشاط اندوخته بیست و هفتم

( ۳۶۷ )

بمعاذ بان مراجعت نمودند و روز دیگر هم عنان ثولت و سعادت شکر  
کنان و صید افکنان بمسئقر خلافت رسیدند و چون منزل گرامی  
گوهر محیط حشمت و کامگاری تابان اختر سپهر عظمت و بختداری  
بادشاه زانکه والا قدر فرخنده شیم محمد معظم بر سر راه بود برای  
سر بلندی آن دره التاج سعادت و ارجمندی آنجا نزول اجلال  
نموده بدولت ساعتی نشستند و بادشاه زانکه نامدار عالمقدار ادای  
مراسم نثار و شکر مقدم شهنشاه روزگار نموده پیشکش از زواهر جواهر  
و نفائس اقمشه بنظر مهر انور در آوردند •

### بناء مسجد فیض اساس مختصر نزدیک

### بآرام گاه خاص اختصاص یافت

از آنجا که همواره همت حق نهت گیتی خدیو دین پرور یزدان  
پزوه بر مواظبت طاعات و عبادات و احراز ثنوبات و سعادات  
مصروف است و همگی خواهش طبع مقدس آنکه تا ممکن  
و مقدور باشد صلوات خمس و سندن و نوافل را در مسجد ادا نمایند  
بر پیشگاه خاطر ملکوت ناظر که پیوسته شاهراه جزود ارادات الهی  
و سر منزل رفور عزائم قدسی است پرتو این عزیزمت تافت که  
نزدیک آرام گاه خاص خجسته مسجدی مختصر طرح اندازند و  
عبادتجای فیض اثر بسازند تا همواره به سهولت و آسانی بی چشم  
رکوب و طول حرکت در اوقات لیل و نهار از راحتگی قدس بانمعبد  
همایون انار خرامش اقبال فرموده بطاعت داد و پاک و پرعتش  
دار و بیهمال پردازند بفاان در سمت شمایی نخلخانه مبارک

( ۳۶۸ )

مابین عمارت آن نگارین سرای حشمت و جلال و باغ خلد مثالش  
 که موسوم بحیات بخش اامت زمینی برای این بناء کرامت انوار  
 اختیار نموده بمعماری توفیق مسجدی میمنت اساس از سنگ  
 مرمر طرح فرمودند مشتمل بر دو ایوان عالی بنیان باهم در طول  
 متصل و سقف هر یک بشکل بنگله و در گنبد بر یمنین و یهار بر  
 نهجی که در ایوان عقب که جانی محراب است گنبد از بیرون  
 چندان نمودار نباشد و بر بالای ایوان پیش سه گنبد عالی نمایان  
 باشد یکی بر بالای بنگله و در هر دو بازو و طول عمارت پانزده ذرع  
 و عرض نه ذرع سواي اساس و طول صحن آن پانزده ذرع و عرض  
 دوازده ذرع و هزده تهر و ارتفاع زمین کرمی عمارت از صحن يك  
 و نیم ذرع و بر سمت شمالی این عمارت مختصر ایوانی طوایش  
 پنج ذرع و عرض سه و نیم ذرع یک در ازان بجانب ایوان مسجد  
 و نه منظر بسمت باغ حیات بخش سه ازان شرقی و سه غربی و  
 سه شمالی و در وسط ایوان حوض مطبوع خردی نه آب ازان جوشد  
 و از صحن مسجد سه در بجانب باغ کشوده شود و پنجم ربع الثانی  
 این سال همایون فال که رایت عزو جلال در ساحل رود گنگ نشاط  
 اندوز سیر و شکار بود باشاره والا مسجد مذکور اساس یافته متصدیان  
 مهمات عمارت کمر سعی و اجتهاد باهتمام آن بناد شرافت بنیاد  
 بر میان همت استوار ساختند و از معماران پیشه درو بنایان هنر  
 گستر و سنگ تراشان فرهاد فن و خارا نگاران کوه شکن و نقاشان  
 صحر طراز و طراحان کارنامه پرداز هر روز گروهی انبوه در عمارت آن  
 مسجد قدسی شکوه بازری جد و سعی کشوده بکار پرداختند و اگرچه

( ۱۴۹ )

در عرض اندک مدتی بتاکید و اهتمام تام ایوان اصل مسجد مهیا گشته چنان شد که حضرت شاهنشاهی در آن نماز میگزاردند لیکن آن بقعه مبارکه بالتمام در مدت پنج سال پیرایه اتمام یافت و مبلغ یک لک و شصت هزار روپیه صرف آن شد بالجمله این فرخنده مسجد عالی بنا اگرچه عمارتش مختصر است لیکن زیب و زینت و فیض و کیفیت آن در مرتبه قصوی و درجه علیاست و بغایت مطبوع و دلنشین واقع شد و در سقف و جدار آن سراسر تختههای سنگ مرمر که بنوک تیشه استادان هنرپیشه تراش یافته چنان تنگدرز بکار رفته است که گویی از معدن صنع یک لخت برآمده بتجلیه و تصفیه به ذابۀ صفا و صقال یافته که پای نظر ژرف نگهان بر سطح آن لغزش پذیرد نقاشان نازک دست بدائع نگار طاق و روان و سقف و جدار آن را سوای ازاره دیوار بگونان گون نقشهای دل پسند غریب و الوان گلها و بوتههای مرغوب خاطر فریب که طراحان جادو قلم بر صفحه سنگ رقم زده اند منبت کرده کار نامه هنر بر طاق بلند استادی نهاده اند و ازاره دیوار صائب و هموار و ساده پرکار قرار یافته روشنی و صفای آن به مرتبه است که سطحش با صرح مورد دم مسارات میزنند و از صفحه آئینه حکایت میکنند و گنبد های آسمان شان آن مسجد فیض نشان را از تنگه پوشش ساخته بطلامی ناب تلمیح نموده اند و همچنین سرگلدستها را بگلهای ملمع مهر فروغ و زیب زینب فزوده بی شائبه تکلف وصف طرازی و آب و رنگ سخن پرداز می نظر گیان

( ۴۷۰ )

را از مشاهده آن گنبد های فلک اعتدال کوه های طلا بنظر می آید  
و هرگاه پرتو آفتاب بران می تابد تیز بیدانرا از بارقه انوار ملمعش  
دیده بخیرگی میگردید •  
• نظم •  
بنام ز انوار رحمت چو طور • ستونهای مرمر علمهای نور  
ز گل دستهایش که شد اوج گیر • حو امانه گل زد بسر چرخ پیر  
فلک را در و پشت طاعت و دوتا • ز انجم بکف سجده کهر با  
نمایان ز سنگ لطافت سرشت • که شد سجده عکس خط سرنوشت  
تاریخ اتمام این بنام قدسی احترام ملائک مقام را عادل خان که از نیکو  
بندهای نابل این درگاه گردون نهانست آینه کریمه (وان المساجد لله فلا  
تدعوا مع الله احدا) یامنه اگرچه زیب و زینت و تکلفات این مهربط  
انوار برکت در سال هزار و هفتاد و چهار صورت اتمام یافت لیکن  
اصل عمارت در سنه هزار و هفتاد و سه که عدد حروف این ایت واقعی  
هدایت مشعر با نست مرتب شده بود چون تاریخ مذکور کمال  
قدرت و غرابت دارد پسند طبع همایون آمد و بموجب امر اعلی  
دران بقعه مقدسه بر سنگ ثبت افتاد از هوانج دولت پیرا آنکه  
درین ایام سعادت انجام از وواع پنگاه بمسامع حقائق مجامع  
رسید که بادشاه زاده عالیقدر والا نزار محمد سلطان که بانوای  
خامی و جاهلی چنانچه گذارش پذیرفته طریق مخالفت و عصیان  
سپرده بشا شجاع گرویده بودند درین هنگام که از غلبه و استیلا  
عساکر نصرت نشان و سطوت اقبال بیروال شاهنشاه زمان وهن  
و اختلال عظیم بارکان شوکت و قوت آن بد مأل راه یافته بود و  
عزیمت نرار بجهانگیر نگر داشت باقتضای مصلحت دید خرد



( ۴۷۱ )

خود دان و رهبری دولت بیدار خدیو جهان بشناخت کردار خود متفطن شده از غلط صریح که کرده بودند برگردیدند و ششم جمادی الاخره بعنوانی که ازین طرف رفته بودند پاکبرنگر آمده باسلام خان ملحق شدند چنانچه حقیقت این مقدمه بعد ازین بتفصل در طی وقایع بنگاله مبدین خواهد گشت این خبر بشارت اثر مجدد آثار نیرنگی اقبال نصرت طراز این دست پرورد الطاف ایزدی در نظر بصیرت دیده وزان دور بین جلوه ظهور نمود و مراحم بادشاهانه آن والا نژاد را با ارسال خلعت خاص با نادری مصحوب محمد میرک گرز بردار نواخته برلیغ گیتی مطاع بطغرای نفاذ دیوست که فدای خان با جمعی از عساکر بنگاله آن عالی تبار را به پیشگاه خلافت رساند و درین اوقات پیشکش عادل خان حاکم بیجاپور از اقسام جواهر و مرصع الات موازی یک لک می هزار روپیه بحضاب سلطنت رسیده پایه قبول یاست و چون از وقایع بندر صورت بمسامع حقائق مجامع رسید که میر عرب خوانی متصدی مهمات آنجا باجل روزگار حیانش مدبری شد میر احمد خوانی بنظم مهمان بندر مذکور معین گشته بفرمایش منصب و خطاب مصطفی خانی و دیگر مراحم خسروانی که باب عاطفت شد و تشریف خان خطاب منتخرا خانی سرمایه امتخار اندرخت و عاقل خان از دکن رحمت خان از بنگاله و رحمت خان از گجرات بموجب فرمان طاب رسیده دولت زمین بوس یافتند و خوشحال بیگ قانشال که قبل ازین مخاطب بقلیچ خان شده بود خطاب سعادت خانی و عنایت امپ مباحی گشته در ملک کومکیان صوبه کابل انتظام یاست رحمت

( ۴۷۲ )

خان بعنايت خلعت و اسب و باضافه پانصدي بمنصب دوهزاري  
 چهار صد سوار و عادل خان بعطای خلعت مشمول مرحمت گردیدند  
 و قلعه دار خان بحراحت قلعه ارک کابل از تغییر شمشیر خان معین  
 شده بعنايت اسب و باضافه پانصدي سیصد سوار بمنصب هزار  
 و پانصدي هفت صد سوار سرفراز گردید و ارسلان خان در ملک  
 کومکيان صوبه کابل منظم شده بعطای خلعت نوازش یافت و مانکو  
 بلال دکني که درین هنگام بندگی درگاه آسمان جاه از دکن آمده  
 بود جبهه ساي آستان خلافت گشته یک زنجیر نیل و دو اسب  
 عراقی برسم پیشکش گذرانید و بعطای خلعت و اسب و بمنصب  
 دو هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار مباهي گشته بدولت بندگی  
 سر بلندی یافت و میر باقی ولد میر محمود اصفهانی که چنانچه  
 گذارش یافت تازه از ایران آمده بود نه سراسپ عراقی پیشکش  
 نموده بقبول آن سرمایه مبالغات اندرخت و بمنصب هزارى صد  
 و پنجاه سوار سرفراز گردید و خواجه پهلوانعام یک هزار روپیه و  
 چندی از قراولان بمرحمت اسب مورد عنایت گشتند چهارم رجب  
 عرصه دانشین خضر آباد مهبط انوار قدوم همایون گشته در روز فیض  
 اندرز نزول اشرف بود و ششم بشهر مراجعت فرمودند هشتم ماه مذکور  
 که غره فروردین بود وزیر خان پیشکشی نمایان مشتمل بر نفائس  
 جواهر و مرصع آلات و لطائف اقمشه و پنج زنجیر نیل و هفت سراسپ  
 بنظر کیمیا اثر در آورده بقبول آن تارک تفاخر برافراخت  
 و مجموع بمبلغ یک لک و بیست هزار روپیه بها شد و روز دیگر  
 حضرت شهنشاهی بعزم سیر و شکر بامزاباد فیض بفیاد شرف قدر

( ۴۷۳ )

بخشیده فردای آن از اینجا بخاص شکار توجه فرمودند دو روز دران  
نخچیر گاه انبال نشاط افروز شکار گشته سیزدهم رایت معاونت بشهر  
افراختند و درین ایام شیخ میرک هروری که از دیرین بندهای  
این آستان سپهر نشان بود و جمال حالش بحلیه سیادت و علم و  
صلاح آراستگی داشت بخدمت جلیل القدر صدارت کل از تغدیر سید  
هدایت الله قادری والا ربکی یارنده بعطای خلعت کسوت مباحات  
پوشید و عبید الله خان بقوجداری گوالیار از تغدیر کشرن سنگه تونوز  
معین گشته از اصل و اضافه بمنصب در هزاری هزار دو صد هزار  
سربلندی یافت در خدمت خان بخدمت دیوانی سرکار ملکه قدسی  
خصال تقدس نقاب پرده آزای هودج مغت و احتجاب روشن  
رای بدگم از تغدیر مقیم خان منصوب گشته بعنایت خلعت  
و باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی سه صد هزار مباحی  
گردید و یارگار خان از کوهستان جمون رسیده دولت اندوز ملازمت  
اشرف گشت و میرهدایت الله خوبش خلیفه سلطان که تازه از  
ایران آمده بدولت بدگمی این آستان سپهر نشان سرافرازی یارنده  
بانعام پنجهزار روپیه فیض اندرز مرحمت گردید و شیخ عباس  
برهان پوری یک هزار روپیه و جمعی از قراولان و عمله شکار بهطای  
خلعت و برخی بهرحمت اسپ مباحی گشتند و چون خلیل الله  
خان صوبه دار لاهور چندی قبل ازین التماس عتبه بوسی کرده  
بود و ملتمس او درجه پذیرائی یارنده حکم اشرف بنغاز هدوسته  
بود که میرخان خلف خود را بنیابت خویش در لاهور گذاشته  
بدولت پای بوس رسد بیعت و چهارم ماه مذکور به پیشگاه خلعت

( ۴۷۴ )

رعیده احرار معادلت ملازمت نمود و پانصد اشرفی و یک هزار روپیه  
 بصیغه نذر و خنجر مرصع گران بها برحم پیشکش گذرانید بیست  
 و نهم هوای گلگشت باغ و بستان از گلزار همیشه بهار طبع اقدس  
 شهشاه جهان مربرزده نخست بباغ صاحب آباد عز و رود بخشیدند  
 و از اینجا بباغ معروف بسی هزاری و ازان گذشته بباغ سفدر باری  
 که هر دو بر سر راه اعزابان واقع است پرتو قدوم انگذده بعد فراغ از  
 میر آنها با اعزابان توجه نمودند و سه روز آنجا بعیر و شکار مسرت  
 اندوز گشته دوم شعبان بدار الخلفه معادلت فرمودند درین ایام  
 پیشکش ملکه منکی صفات قدسی خصال صدر آرای شبستان  
 دولت واقبال بیگم صاحب که در مستقر الخلفه اکبر آباد کامیاب  
 معادلت خدمت اعلی حضرت بودند مشتمل بر جواهر و مرصع  
 آلات بنظر انور رسیده رتبه قبول پذیرفت و محمد امین خان صدر  
 بخشی بمرحمت قلمدان مرصع مورد نوازش شد و خان دوران که  
 سابق صوبه دار اله آباد بود بنظم مهم اوقیسه معین گشته فرمان  
 عالیشان مشعر باین معنی باد طغرای نفاذ یامت و طاهر خان از  
 جاگیر رسیده بتقبیل عتبه خلافت ناصیه انروز عبودیت گردید  
 و منصب نوازش خان که در سلسله کومکین صوبه مالوه انتظام  
 داشت از اصل و اضافه سه هزار و دو صد سوار مقرر گشت  
 و چون بعرض اشرف رسیده بود که چکر عین بهیل زمیندار موضع  
 که اتا کهیزی از اعمال مالوه بافتضای شقاوت کیشی و ذماعت  
 اندیشی از مفرج قوب اطاعت و انقیاد انحراف ورزیده سلوک طریق  
 تهر پیش گرفته امت بهگونت سنگه هاده که موطن او بانحدود

( ۴۷۵ )

قریب الجوار امت بتفیده و تادیب آن غلات شعار جهالت آئین و انتزاع قلعه ولایتش تعیین یافته بعطای خلعت و اسپ و باضافه پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار مشمول عاطفت شد و غیرتخان بقلعه داری رهناس از تغدیرشاه قلیخان منصوب شده بعزایت خلعت و اصل و اضافه بمنصب دو هزار و پانصدی هزار سوار سر بلند گردید و غضنفرخان فوجدار میان دواب از محال فوجداری خود رسیده دولت اندوز ملازمت اشرف شد و مبارک خان نیازی که بفوجداری هر دو نیکش قیام داشت و منصبش دو هزار و پانصدی سوار بود یک هزار سوار از تابینان او در اسپه سه اسپه مقرر گردید و چتر بهوج چوهان بفوجداری و تهبانه داری موضع دون که قبل ازین ضمیمه خدمت غضنفرخان فوجدار میان دواب بود منصوب شده بعطای خلعت و باضافه پانصدی سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار سرفرازانی یافت و سر انداز خان و یادگار خان در سلک کومکیان بنگاله انتظام یافته بمرحمت خلعت مباحی شدند و شهباز خان از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصد سوار و عبد الرحمن خودشکی بمرحمت اسپ سرفراز شده در سلک کومکیان کلبل معدود گشتند و منصب قلام محمد افغان از کومکیان صوبه اله آباد و از اصل و اضافه هزار و پانصد سوار قرار یافت و فیروزخان میواتی بفوجداری سرکار آثاره معین گشته خلعت سرفرازی پوشید و خانه زاک خان چون کدخدا میشد بعطای خلعت و انعام ده هزار روپیه مشمول عزایت شد و زمیندار چانده بمرحمت ارسال یک زنجیر فیل و اسپ بازمین

( ۴۷۹ )

و ساز مطهری مورد عاطفت پادشاهانه گردید و کفایت خان از بنگاله رسیده دولت ملازمت اندوخت و محمد مومین واد شاه بیگ خان بعطای اسپ نوازش یافته بدکن مرخص گشت و مصحوب او خلعت برای شاه بیگ خان مرسل شد و میررحمت الله متوای رونق ملوره امیر کبیر و خاقان اعظم مطاع سلاطین گدتی و سرور خواقین عالم حضرت صاحب قرانی انار الله برهانه که چندی قبل ازین از خطه سمرقند بدرگاه سپهر ماند آمده بود بانعام هفت هزار روپیه از خزانه احسان پادشاهانه کامیاب نوازش شد و چایی بیگ نوکراوتار خان حاکم قندهار که از جانب او بآستان سپهر مدار آمده بود بعزایت خلعت و انعام دوهزار روپیه بهر • اندوز مرحمت گردید و چون پادشاه زاده عالیقدر والا نژاد محمد سلطان که ندائی خان از بنگاله با فوجی از جنود فاعره بآوردن ایشان مامور شده بود بکعبه حضور نزدیک رحیده بودند حکم والا صادر گشت که مرحمت خان پذیره شده و آن والا نژاد را بزودی بدار الخلفه رساند و هنگام رخصت بمرحمت اسپ مباحی شد و از آن رو که بر بنگاله از فدائی خان و چنددی دیگر از امرا بعضی تفصیرات سرزده بود فرمان شهنشاه مالک رواب از پیشگاه عذاب بصدر پدوست که خان مذکور بحضور لامع الفور نیامده از همانجا بگورک پور که جاگیر او بود بروند نوزدهم ماه مذکور از وقائع بنگاله بمسامع حقائق مجامع رسید که ناشجاع فساد انگریز فتنه پرور که در فتنه پایی جرأت فشرده حتی المقدور در مراتب مدانعت کوشش می نمود بمعامی جمیده و ترددات شائسته معظم خان و دلبر خان در آورد

( ۴۷۷ )

خان قواعد همت و ثباتش اختلال فاحش یافته بحالی که هزاران  
اعدای بد هگال باشد از آنجا بر کشتی نشسته روانه جهانگیر نگر شد  
چنانکه بعد ازین حقیقت این مقدمه در گزارش تفصیل حال  
آنخسران مثل مشروح و مبین خواهد گردید از ورود این خجسته  
خبر ایستادهای بساط سلطنت و بندهای آستان خلافت مرام  
تهنیت بجا آورده تسلیم مبارکباد نمودند و نقارهای نشاط بنوازش  
آمد و عاطفت خسروانه معظم خان را به نمایندگی ارسال خلعت  
خاص و شمشیر و سپر خاصه عز مباهات بخشید و محمد امین  
خان خلع او را بجلادوی ترددات شایسته و مساعی آن خان  
اخلاص نشان بمرحمت خلعت و اسب با ساز طلا مدهی ساخت و  
دلیر خان و دازد خان و مخلص خان و چنددی دیگر از عدههای  
کومکین لشکر ظفر اثر بنگاله را بمرحمت ارسال خلعت نواخت و  
درین هنگام پیشکش امیر الامرا مشتمل بر جواهر نفیسه و دیگر  
تحف و رعایب از دکن بدرگاه خلافت پناه رسیده پایه قبول یانیت  
و خلیل الله خان چون میر روح الله پسر خود را با صبیحة امیر الامرا  
نسبت کرده اراده طوی او داشت پیشکشی از جواهر و مرصع آلات  
بمحل مرض رسانیده التماس رخصت کرد عذایت بادشاهانه روح الله  
را بمطای خلعت و اسب با ساز طلا و جمدهر مرصع با علائق مرورید  
و مهر مرورید که در روز طوی بر سر می بندند نوازش فرموده بین  
الاقربان امتیاز بخشید و مرتضی خان بمرحمت ماده نیل مباحی  
شد و مکرم خان فوجدار جونپور بفوجداری سرکار ارده که قبل  
ازین بغدادی خان مفوض بود و غضنفر خان بفوجداری سرکار

( ۴۷۸ )

چونپور از تغییر خان مذکور منسوب گشته بعنایت خدمت و اسپ و از اصل و اضافه بمنصب در هزار و پانصدی و دوهزار سوار سرفراز شد و عاقل خان بقوچداری میان دواب از تغییر غضنفر خان معین شده بعنایت خدمت و اسپ با ساز طلا و باضافه پانصد سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار سر بلند گردید هر یک با مزاییش منصب و دیگر مراحم خسروانه سر بلند گردید و راجه عالم سنگه زمیندار مالوه از وطن خویش و سوبهگرن بندیده که بعنایت مهم چندت مقهور معین بود بدرگاه معلی رسیده دولت زمین بوس یافتند و بالذفاتخان و چندی دیگر از بندهای که طوی کد خدای آنها بود خدمت و به برخی اسپ مرحمت شد و میر رضی خراسانی متخلص بدانش بعطای خدمت و انعام یکمزار روپیه کامیاب عنایت گردید •

رسیدن بادشاه زاده محمد سلطان بجناب  
خلافت و ممنوع شدن از سعادت  
ملازمت و به سلیم کده نگهداشتن

درین هنگام فرخنده انجام که آن عالی نژاد بمیامن هدایت الهی و رهبری اقبال بلند حضرت شاهنشاهی نزدیک بدار الخلفه رسیده بودند رای عالم آزایی که رموزدان امرار دولت و جهانبا نبوت چنان اقتضا نمود که چون بحکم جهالت و خطا اندیشی دامن کردار آن والاتبار غبار الودعیان و مخالفت شده است یکچند بمقامات آن از دولت کورنش و سعادت حضور لامع النور محروم بوده در گوشه خمول بسر برند و در



( ۴۷۹ )

زاویه وحدت از شر اغوا و وسوسه اغرای شور انگیزان شیطان منش در  
مهک امن و آسایش بوده روزگار فرخنده بهماندت سپرند بنابران صبح  
روز بیست و پنجم شعبان به موجب حکم اشرف الله یارخان داروغه  
گمرز برداران بشکر پور که آن روی آب چون است رفته ایشانرا از راه  
دریا تسلیم کده برای بودن آن والا گهر مقرر شده بود رسانید و  
حراست و خبرداری ایشان بمعتمد خان خواجه مرا که در پیشگاه  
خلافت مورد انظار اعتماد است تفویض یافت بیست و هفتم  
از وقایع مستقر الخلفه اکبر آباد بعرض همایون رسید که ذوالفقار  
خان که از بنگاله کوفتنگ بر آمده در اثنای راه آزارش اشدتداده  
بود و بدان جهت از خدمت پادشاهزاده محمد سلطان جدا شده  
در مستقر الخلفه ماند جهانگزران را پدرود نمود چون از بندهای  
درست اخلاص شہامت منش بود حضرت شہشاهی را خاطر  
مبارک قرین تأثر گردید درین اوقات راجه جیصنگه بعطای خلعت  
خاص و هوشدار خان بمرحمت یکا قبضه شمشیر سر بلند گردیدند  
و راجه راجروپ که با رعد انداز خان و دیگر افواج منصوره چنانچه  
گزارش یافته بمهم سری نگر قیام داشت و درین ایام بنابر بعضی  
مطالب بادراک شرف حضور مامور گشته بود دولت اندوز ملازمت  
اکهیر خاصیت شد و جانباز خان و پردلخان و آتشخان که به  
همراهی بهادر خان به تنبیه بهادر بچکوئی تعیین یافته بودند و  
اندر من و مترسین بندیده که در سلک کومکیان صوبهکرن منظم  
بودند شرف زمین بوس درگاه والا یافتند و وزیر بیگ مخاطب  
بازالت خان که از قدیم الایام بخدمت پادشاهزاده محمد سلطان

( ۴۸۰ )

معین بود جبهه های آستان خلافت گشته بنا بر وقوع تقصیر در  
مجاورت آن والا نژاد مغضوب و معاتب و معزول از منصب شد •

## افاز سال سیوم از سنین دولت دارای عالم گیری مطابق سنه هزار و هفتاد هجری

درین هنگام مبارک فرجام که جهان یکم هوا خواهان این  
سلطنت گیتی اعتصام و امور دین دولت کلمیاب انتظام بود  
قدوم فرخنده ماه صیام میمنت بخش ایام گشته سرمایه نزل  
پرکت آسمانی و پدراینه حصول سعادت جاودایی شد و شب سه  
شنبه مطابق بیست و یکم اردی بهشت رویت هلال اتغاق افتاده  
سال سوم از سنین خلافت و جهان پدراینی خدیو جهان و خلیفه  
زمان بغرخی و فیروزی و نیک اختری و بهروزی آغاز شد و دگر  
بار ابواب فوز و فلاح و سداد و صلاح بروی عالم و عالمیان باز گردید و  
اشاره والا بصدور در پیوسته که ناظران امور سلطنت و پیشکاران  
پیشگاه ابهت و بترتیب اسباب و تمهید مقدمات جشن جلوس  
میمنت قرین که هر ساله بجای جشن نوروزی چنانچه گذارش پذیرفته  
مقرر و معهود گشته پدید آزند و در تختخانه مبارک خاص و عام و انجمن  
خاص غسلخانه را بدستور سال گذشته اذین دولت و اقبال بسته امبک  
دل بادل که سپهر برین چون ساحت زمین سایه نشین و دامانش  
تواند بود در پیش ایوان فلک نشان خاص و عام باوچ عظمت و  
احتشام بر افرازند و مقرر شد که بیست و چهارم این ماه سعادت  
پرتو که جلوس ثانی بر او رنگ عظمت و کمرانی توان روز واقع